

ایده‌آل‌های متکثر

پزشکیان همچنان می‌توانند کاری انجام دهد

یادداشت

از میان ۸۵ میلیون ایرانی و از میان اقشار و لایه‌های مختلف اجتماعی که عقاید مختلفی دارند. همچنان که برخی مرفه هستند و دچار تنگدستی، برخی تحصیلکرده و بر مفاهیم مدرن مانند آزادی تأکید دارند و درمقابل بسیاری هم با مشکلات معیشتی مواجه هستند. برای این عده که مشکلات معیشتی دارند، چندان مهم نیست که انتخابات به چه صورت باشد، احزاب و مطبوعات باشند یا نباشند. به جای این «مفاهیم» مدرن، «واقعیت»های زندگی است که برایشان اهمیت دارد. به عبارت دیگر برای آنان مهم است که بتوانند اجاره خانه خود را بموقع پرداخت کنند یا قیمت گوشت و مرغ برایشان اهمیت بیشتری از سایر مفاهیم دارد. چه بسا مسائل مدرنی مانند آزادی بیان برایشان ارزش و اهمیتی نداشته باشد. با ملاحظه این موارد وقتی از «مردم ایران» حرف می‌زنیم، باید مشخص کنیم که کدام بخش از لایه‌های مردم ایران مد نظر است.

جدا از این طبقه بندی، طبقه بندی دیگری هم وجود دارد که تحت عنوان مسأله اقلیت‌ها مطرح می‌شود. مانند اقلیت‌های مذهبی و قومی که مسائل خودشان را دارند. به عنوان مثال اینکه یک استاندار اهل سنت داشته باشیم یا استاندار بلوچ، مسأله‌ای بود که سال‌ها درباره آنها بحث می‌شد. همچنان که می‌بینیم امروز مسأله زبان مادری و اینکه در مدارس به چه صورت باید با زبان مادری برخورد شود، همچنان به صورت یک مسأله قابل بحث در جامعه ما مطرح است.

بر پایه همه این ملاحظات می‌توان گفت وقتی از جامعه یا مردم ایران سخن می‌گوییم، درواقع با اقشار و لایه‌های

مختلفی از این جامعه روبه رو هستیم. در این صورت آیا می‌توانیم در یک صورت‌بندی ساده، صرفاً عنوان کنیم که «ایده آل مردم ایران» چیست؟ زیرا مطابق همان که گفتیم و اشاره کردم، هر طبقه، هر گروه و هر بخشی از جامعه احتمالاً ایده آل‌ها و خواسته‌های مختلفی داشته باشند. در این صورت به باور من به دشواری می‌توان گفت که ایده آل همه مردم ایران چیست و مردم ایران چه می‌خواهند.

اما فارغ از این مسأله، در یک نگاه کلی می‌توان به گونه دیگری به این سؤال پرداخت. به عبارت دیگر، می‌توان این واقعیت را پیش کشید که سیاست‌های طی شده در سال‌های گذشته، نتوانسته جامعه‌ای مطلوب را، به گونه‌ای که اکثریت ۹۰ درصدی مردم ایران خواهان آن باشند به وجود بیاورد. و چون چنین مطلوبیتی ایجاد نشده است، به همین دلیل

است که می‌بینیم هر قشر یا گروهی، همچنان مطالبات خود را دارد.

یعنی همان طور که در ابتدای این سخن اشاره کردم، برخی مشکلات اقتصادی دارند و مطلوب خود را در حل این مشکلات جست و جو می‌کنند، برخی دیگر اولویت‌های فرهنگی و سیاسی دارند و مطلوب خود را در عرصه سیاست یا فرهنگ تعقیب می‌کنند و مانند اینها. وقتی همه این مطلوب‌ها یا خواسته‌ها را کنار هم قرار می‌دهیم، جز این نمی‌توان نتیجه گرفت که نظام حکمرانی ما در سال‌های گذشته نتوانسته به این مشکلات پاسخ دهد و آنها را به سامانی مطلوب برساند. در این شرایط اولین گام، همان چیزی است که باید از سوی نظام حکمرانی برداشته شود، یعنی پذیرفتن این واقعیت‌ها که این مطلوب‌ها، یعنی مطلوب‌های اقشار و گروه‌های مختلف مردم تأمین نشده است. پذیرفتن این ناکامی، شرط اول و گام اول برای هر بهبودی است.



صادق زیباکلام

استاد
علوم سیاسی

این درحالی است که وقتی با مسئولان صحبت می‌کنیم، آنان چنین تصویری از کارنامه و عملکرد خود ندارند. همان طور که وقتی آقای پزشکیان صحبت می‌کنند، این طور برداشت می‌شود که صرفاً بر «ما می‌توانیم» و «ما موفق می‌شویم» یا اینکه «ما با اتحاد جلو می‌رویم» تأکید می‌کند. این درحالی است که گام اول برای همه این موفقیت‌ها این است که ابتدا بپذیریم کاستی‌هایی داریم و ناکامی‌هایی در حوزه‌های مختلف داشته‌ایم. این رویکرد را در حوزه‌های دیگر، مثلاً از سوی نمایندگان مجلس هم می‌بینیم.

وقتی مسئولان این طور صحبت می‌کنند، مردم هم اینطور برداشت می‌کنند که گویی آنان مشکلات ما را نمی‌بینند، مشکلاتی که نشان دهنده ناکامی خود مسئولان است. بنابراین اینطور به نظر می‌رسد که گویی دو طرف، یعنی مسئولان و مردم در دو سوی متفاوت ایستاده‌اند و هر کدام به شیوه متفاوتی به مسائل نگاه می‌کنند، البته نگاهی که کاملاً مغایر هم است. بر این اساس اولین نکته‌ای که باید مشخص شود این است که آیا مسئولان ما قبول دارند که در بسیاری از حوزه‌ها کامیابی نداشته‌اند و میزان ناکامی آنان بیشتر از میزان موفقیت شان بوده است؟ آیا مسئولان و عناصر تعیین کننده در نظام حکمرانی، قبول دارند که از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و در عرصه سیاست خارجی ناکامی آنان بیشتر از کامیابی‌های آنان بوده است؟

با این تفصیل، نقطه آغاز تغییر و تحول باید پذیرش این واقعیت باشد که ما در بسیاری از حوزه‌ها به آن موفقیتی که